

نگاهی به رابطه جنبش کارگری و جنبش عمومی

دردل جنبش گسترده «زن، زندگی، آزادی» هفته‌ی اول و دوم آذر ۱۴۰۱

در بررسی دوران پیشا انقلاب نوین «زن، زندگی، آزادی» دشواری زندگی بر کارگران و زحمتکشان از دیگر نیروهای اجتماعی، جانفرساتر به نظر می‌رسد.

بر پایه داده‌های آماری روز شمار کارگری طی سال‌های گذشته، ما شاهد موج وسیع اعتراضات زنان، معلمان، دانشجویان، کارگران، کشاورزان، پرستاران، بهیاران، بازنشستگان، معلولین، دست‌فروشان، مال‌باختگان، کامیون‌داران، کولبران و سوخت‌بران، فعالان محیط زیست، نویسندگان و اهالی سینما-تاتر، وکلا و به‌عبارت کلی، فعالان مدنی، صنفی با مطالباتی موجه و در اشکال تجمعات اعتراضی، اعتصابات و تحصن‌های گوناگون بودیم.

بر اساس آمارهای گردآوری شده‌ی فعالان حقوق بشر در ایران، حدود ۴۵۴۰۰ کارگر بیش از ۱۳۶۶ ماه معوقات مزدی (۷۶ درصد معوقات مزدی از سازمان‌های دولتی، ۱۴ درصد از سازمان‌های خصوصی، ۷ درصد از صنعت انرژی و ۳ درصد نامعلوم) دارند؛ از اردیبهشت ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱، حدود ۳۸۰ اعتصاب کارگری و ۴۰۰ اعتصاب صنفی (با افزایش به‌ترتیب ۷۰ و ۹۹ درصدی نسبت به قبل) و ۱۰۳۰ تجمع و ۳۷۲ اعتصاب در بین معلمان شاغل و بازنشسته به وقوع پیوسته است. (۱)

درکنار این آمار، ما با لیست همه‌جانبه‌تری از همان منبع فعالان حقوق بشر روبرو هستیم که چنین است: «از اردیبهشت ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ ما شاهد بازداشت نزدیک به ۷۰ کارگر و فعال کارگری، محکومیت ۷ فعال کارگری و کارگر به ۲۴۸ ماه حبس، ۱۲۴ ضربه شلاق و ۲۳ میلیون جریمه‌ی نقدی، ۷ مورد خودسوزی، ۸ مورد خودکشی، ۲ مورد ضرب و شتم، احضار ۲۰ نفر به مراجع قضایی و امنیتی، نزدیک به ۲۶۰۰ مورد اخراج و تعدیل، بیش از ۱ میلیون و ۶۴۰ هزار مورد نبود بیمه‌ی کار برای کارگران و حدود ۸۳۰۰ مورد بیکاری و ۹۰۰۰ مورد بلاتکلیف در حوزه‌ی کار، در رسته‌ی اتحادیه‌ها و اصناف، جمعاً ۱۸۵ بازداشت فعالان صنفی، ۲۲۹ ماه حبس برای ۷ تن از فعالان صنفی، ۵۲ مورد احضار به مراجع قضایی-امنیتی و ۳۵۵۵ مورد پلمب اماکن؛ در بین معلمان شاغل و بازنشسته ۱۰۶ مورد بازداشت، ۵۰ مورد احضار و ۱۲ مورد محاکمه در مراجع قضایی و امنیتی، ۹ مورد ضرب و شتم و یک مورد خودکشی معلم، محکومیت ۶ تن از معلمان و فعالان این حوزه به ۱۶۹ ماه حبس و ۲۱ میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی» (۲)

همچنین باید به این جنبه تاکید داشت و گفت: در ایران تشکلات کارگری به‌معنای متعارف جهانی آن وجود ندارد و تشکل‌های مستقل همچون «سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه»، «سندیکای نیشکر هفت تپه»، «شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان» و «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» و «کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری در ایران»، «نهادهای چندگانه‌ی بازنشستگان کشور»، «اتحادیه آزاد کارگران»، «کانون نویسندگان ایران» و فعالان عرصه زنان در ظرف‌های متشکل خود، همه و همه در مظان اتهامات امنیتی و سیاسی قرار دارند و فعالان بسیاری به دلایلی چون: فعالیت سندیکایی، برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، اعتراض به دستمزدهای پایین، امضای بیانیه در حمایت از اتحادیه‌ها و سندیکاهای مستقل یا حتی دریافت دعوت‌نامه برای شرکت در نشست‌های جهانی اتحادیه‌های کارگری، احضار، بازداشت و به اتهامات نخ نما و بی پشتوانه متهم و محکوم به زندان‌های چندین و چند ساله شده‌اند.

اما امروز که بیش از چند ماه از آغاز اعتراضات مردمی بعد از قتل حکومتی مهسا امینی می‌گذرد، خبرنامه آماری در فاصله ۲۶ شهریور تا ۸ آذر ۱۴۰۱، سیمای دیگری را به ما نشان می‌دهد: «حدود ۱۶۰ شهر و ۱۴۳ دانشگاه درگیر بیش از ۱۱۰۰ تجمع شهری و دانشگاهی بوده و طبق تخمین‌ها بیش از ۱۸۰۰۰ نفر بازداشت شده که از بین آن‌ها نزدیک به ۵۸۰ نفر دانشجوی بوده‌اند، و حدود ۴۶۰ نفر از جمله ۶۴ کودک زیر ۱۸ سال کشته شده‌اند.» (۳)

باید گفت: آمارهای ارائه شده، آمار همه‌ی رخداد‌های بعد از صد روز جنبش «زن، زندگی، آزادی» جامعه ایران ما نیست. دستگیری‌های گسترده و شکنجه‌ی زندانیان که در مواردی منجر به کشته شدن آنها شده است و اعدام چهار نفر از معترضان خیابانی و احکام سنگین دیگر در بیدادگاه‌های نظام، هدفی جز مرعوب کردن مردم از یک سو، و تجلی وحشت در بین خود حاکمان و کارگزاران رژیم اسلامی از سوی دیگر ندارد. ما با آمار چهار اعدامی، و چندین و چند کشته جانفشان خیابانی، در سراسر ایران و دستگیری بیش از چهل هزار نفر و آمار آدم‌ربایی و به خودکشی کشاندن زندانیانی که از زندان آزاد می‌شوند، روبرو هستیم. خودکشی که تاحال هیچ دلیل موجه‌ای برای آن بیان نشده، مگر اینکه بگوییم: پروژه‌ی اعدام حاکمیت برای ارباب جامعه جوان ما، تا اینجای کار، راه به جایی نبرده و رژیم تغییر ریل داده و شیوه‌ی کار را به گونه‌ای تغییر داده و جای اعدام‌ها را آدم‌ربایی‌ها و خودکشی زندانیان را برگزیده‌اند. به عبارتی رژیم شکل‌های سرکوب را روی هزینه و فایده کار تغییر می‌دهد، یعنی رژیم با صدور و اجرای احکام اعدام تا اینجای کار، به هدفش نرسیده است. توازن قوای داخل و خارج به نفع رژیم نیست و بیش از این به کلیت رژیم اجازه پیشروی نمی‌دهد، مگر به قیمت قتلعام مردم برای فرونشاندن جنبش!

قابل ذکر است؛ حاکمیت اسلامی در برابر مبارزه همه جانبه‌ی نیروی جوان جامعه و مراسم‌های سوم، هفتم و چهلم جانباختگان در شهرهای گوناگون، رژیم در بن بست فلج کننده به سر می‌برد. تا حدی که خامنه‌ای این روزها «کم‌حجایی» را به نفع خود صادره می‌کند، مبرهن است که ادامه این جنگ به نفع آنان نیست. از اینرو فرار به جلو را به نفع خود و به تک و تاب نینداختن خویش غنیمت می‌یابند. از همین رو شیوه‌های سرکوب را تغییر داده‌اند. آدم‌ربایی و به خودکشی کشاندن زندانی بعد از آزادی از زندان را پیش

گرفته‌اند. اما آنچه جنبش اخیر را از موارد مشابه قبلی‌اش - مشخصاً دی ۹۶ و آبان ۹۸ - و سایر تحرکات اجتماعی متمایز می‌کند و شاید متأثر از بخشی از مبارزات کارگران هم باشد - به صورت مشخص مقاومت طولانی مدت کارگران نیشکر هفت تپه در شوش - که طولانی مدت بودن و پایداری و باتجربه‌تر شدن عمر این جنبش، شانس بیشتری به آن‌ها برای تداوم برابر سرکوب می‌دهد. به ویژه آنکه جنبش اخیر این بار تنها منحصر به خیابان‌نماند و شبکه‌سازی‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و مدارس و محلات در سازماندهی کمیته‌های محله محور شهرهای بزرگ و کوچک و با اعتصاب بخشی از کسبه و بازاریان هم همراه شده است. (۴) موضوعی که تعادل نیروهای درگیر به نفع جنبش گسترده «زن، زندگی، آزادی» به هم زده است!

آنچه در این یادداشت مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته، رابطه بین خیزش‌های خیابانی و اعتصاب‌های سیاسی کارگری است. پروسه ۱۵ روزه‌ی اول آذر ۱۴۰۱ را مرور داشته‌ام، نشان می‌دهد که در این جنبش برای اولین بار این امر صورت گرفته است. در این میان اعتصاب سیاسی فرهنگیان کشور در بسیج دانش‌آموزان، تحرکات و اعتصابات سراسری دانشجویان در کنار برخی اساتید متعهد، اعتصاب سیاسی رانندگان و کامیونداران، پرستاران و رزیدنت‌های پزشکی، ذوب آهن و اعتصاب کسبه و بازاریان در بیش از ۷۰ شهر که در راستای پاسخگویی به فراخوان اعتصاب سه روزه ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ آذر نمود یافت.

در این ارزیابی برآنم؛ برای کسانی که تمام این سال‌ها دغدغه‌ی پیوند خیزش خیابانی و اعتصابات کارگری سیاسی را داشته‌اند، در این دوره مورد مطالعه متحقق شده است. آنچه را که مسئولانه شمارش کرده‌ام، شماره آرای برشمرده نشان می‌دهد که گرچه این پیوند یکی از نادرترین و مهمترین لحظاتی بود که شاید فراگیر نشد، اما توانست الگویی از آنچه باید رخ دهد را در مقیاسی بسیار کوچک به نمایش بگذارد. بخش وسیع این اعتراضات کارگران ذوب آهن و پرستاران و اعتصابات کسبه و بازاریان و بخشی هم اعتصابات سراسری رانندگان و کامیونداران، بدون ارتباط با مضمون انقلاب نوین «زن، زندگی، آزادی» بوده و به نوعی با مطالبات بی‌پاسخ مانده آنان مرتبط بوده است. مهمترین مطالباتی که به برگزاری اعتراضات کارگری در پانزده روزه آذر ۱۴۰۱ منجر شد را می‌توان در سه بخش زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- پایین بودن دستمزد و معوقات مزدی و بیمه‌ای.

۲- تبعیض و بی‌عدالتی در پرداخت حقوق و مزایا بین کارگران رسمی و پیمانی.

۳- همراهی با اعتراضات سراسری در اشل سراسر کشور.

اما گستره‌ی این اعتراضات که از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور را دربر می‌گرفت، نشان داد که بخشی از جامعه کارگری تلاش می‌کند ضمن پیگیری مطالبات صنفی خود، پیوندی مستقیم با اعتراضات سراسری برقرار کند. نقطه اشتراک این پیوند نیز مطالبه «زندگی بهتر» و «رفاه بیشتر» و «اداره جمعی و شورایی»، برای حدود

۴۰ میلیون خانوادگی کارگری است که در شعار «اگه با هم یکی نشیم / یکی یکی اخراج می‌شیم» متبلور شده است.

امنیت شغلی و خطر اخراج ناشی از بحران اقتصادی مسئله‌ای است که زندگی و تامین معیشت و امنیت شغلی هر کارگری را تهدید می‌کند. در آمار و ارقام ارائه شده و برنامه‌های حکومتی، نه تنها نشانی از کنترل تورم نیست که انفجار قیمت‌ها دمار از روزگار اقشار کم درآمد جامعه و توده‌ی به فلاکت کشیده شده زحمتکشان رنج و کار کشور درآورده است.

طبق آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار، نرخ تورم سالانه آذر ماه ۱۴۰۱ برای خانواده‌ها به ۴۵ درصد و نرخ تورم نقطه‌ای به ۴۸ درصد رسیده است. طبق این گزارش نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» به ۶۵,۳ درصد رسیده است. این در حالی است که طبق گزارش ماه گذشته‌ی وزارت کار متوسط قیمت ۸۳,۳ درصد اقلام منتخب در گزارش، نظیر برنج ایرانی و خارجی، مرغ و تخم‌مرغ ماشینی، شیر، ماست، کره و... فراتر از حد بحران پیش رفته است. واریسی این امر در این دوران وانفسا که دلار به بالای ۴۰ هزار تومن رسیده، فلاکت زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران را نشان می‌دهد. از اینرو شاید رشد بیشتر اعتراضات کارگری هستیم.

روند مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری اسلامی در بازه زمانی پانزده روزه آذر ماه ۱۴۰۱ چند وجهی است؛ جوانان معترض به‌خوبی از فرصت‌ها و روزنه‌ها برای تداوم مقاومت و مبارزه و فروزان نگهداشتن آتش اعتراضات خیابانی، طی روزها و شب‌ها از مراسم جان باختگان، راهپیمایی سکوت، شعارنویسی، اعتراض، اعتصاب برای دستمزد، شعارهای شبانه و شکل‌های دیگر مقاومت استفاده می‌کنند. همین اندازه مهم است که تداوم اعتراضات مدارس و دانشگاه‌ها همزمان با مقاومت در کردستان، جمع‌های اعتراضی بلوچستان (زاهدان)، خوزستان، آذربایجان، گیلان و مازنداران و استان مرکزی، اصفهان و لرستان و ایزه با تداوم حمایت‌های هنرمندان و ورزشکاران از مبارزات موجود و جنبش انقلابی مردم کشورمان با سازماندهی اعتراضات در محلات همراه باشد تا هزینه سرکوب را برای رژیم جنایت بالا ببرد و در کنار اعتصابات کارگران با مطالبات ویژه‌ی خود، قدرت سرکوب رژیم را به چالش بکشند. اعتراف مقامات به این تأثیرگذاری تأییدی همه جانبه بر اهمیت اشکال متنوع اعتراضات و اعتصابات است.

آرام، آرام به پایان سال نزدیک می‌شویم، در حالی که نه برآوردی از بودجه سال پیش‌روی و نه تعیین مزدی برای سال بعد مطرح است و جامعه ما با ابر بحران تورم روبروست. در اوضاع متلاطم کشور مجلس لایحه بودجه دولت رئیسی را غیرقابل وصول و بررسی دانسته و بررسی آن را به تسلیم برنامه‌ی هفتم توسعه از سوی دولت مشروط کرده است. "خاندوزی" وزیر امور اقتصاد خبر داده: «در بودجه ۱۴۰۲ حداقل حقوق کارکنان دولت ۷ میلیون تومان و میزان افزایش حقوق ۲۰ درصد دیده شده است» در حالی که رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس رژیم از کسری چهارصد هزار میلیارد تومانی دولت خبر داده

که دولت را برای تامین حقوق کارمندان و مخارج خود به در دسر انداخته است و باز به فکر جبران کسری‌ها و تأمین همین حقوق زیر خط فقر، از منابع بودجه عمرانی هستند. چنین راه حل‌های آلترناتیو برای اینکه دولت بتواند از پس مخارج خود برآید مورد بحث حاکمان است؛ راه حل‌هایی که یا اجرائی نیستند و یا در صورت اجرا مانند تعطیلی دانشگاه‌های دولتی و یا فروش املاک سازمانی، هر کدام به تنهایی سفره‌ی اکثریت مردم، و به ویژه مزد و حقوق بگیران را هدف قرار خواهند داد و موجبات نارضایتی بیشتر مردم را فراهم می‌آورد. همزمان عده‌ای نیز گرایش به گران کردن قیمت بنزین دارند و می‌گویند: تعامل با کشورهای دیگر برای آزادسازی ارز نفتی یا پترو دلار بلوکه شده ایران در بانک‌های خارجی هم شاید بتواند برای حل مشکل کسری بودجه به دولت کمک کند! ولی واضح است هیچ کدام از این راهکارها مسیر دشوار فعلی را برای دولت ابراهیم رئیسی و کل حاکمیت هموار نمی‌کند. در واقع چنان‌که "دلخوش"، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی گفته: «هیچ برنامه‌ای در رابطه با مسائل اقتصادی وجود ندارد» و «نمی‌دانیم دولت می‌خواهد چکار کند!» اما یک مسئله را ما می‌دانیم و آن اینست که در هر حال چنگ انداختن به سفره‌ی کارگران و غارت منابع مردم ادامه خواهد داشت و در مقابل آن برای کارگران هیچ راهی جز تشکل‌یابی و پیوستن و اتحاد با هم و سازمان‌یابی و راهجویی برای آزادی همکاران زندانی خود و راهبری جامعه را پیش گرفتن، وجود ندارد.

این بیش از هر موقع شتاب رودررویی‌ها بین طبقه ما و سرمایه‌داری حاکم را بالا می‌برد. در حالی که تنگناهای اقتصادی روزبه‌روز شدیدتر و معیشت مردم پیوسته وخیم‌تر شده است، در حالی که گذران زندگی سخت‌تر و شرایط زندگی توده‌های مردم وضعیت بحرانی به خود گرفته است؛ اختلاس‌های چند هزار میلیاردی دزدان حاکمیت و چپاول و تاراج ثروت کشور توسط سرمایه‌داران و سران بی‌آبروی رژیم اسلامی، همه‌ی آنانی که طی چهل و چهار سال گذشته ثروت و منابع عمومی کشور را غارت کردند؛ کسانی که در بستر غارت مردم زحمتکش زندگی کرده‌اند؛ دزدان و زالو صفتانی که شیره جان طبقه ما را مکیده و کودکی کودکان کار را ربوده‌اند، امروز هم با دستگیری و زندان و شکنجه‌ی معترضان همچنان در کالبد نظام اسلامی مشغول حکمرانی‌اند، ادامه دارد. سهم کارگران از زندگی، سفره خالی و سهم کودکان کار همان سطل‌های زباله و خیابان گردی و بخشا کارتون خوابی است، اما فرزندان سرمایه‌داران یعنی همان ژن‌های برتر، در غرب و در رفاه، مشغول و لخرجی و گردش شبانه‌اند. فرزندان کارگران و مردم گرسنه در فقر و ننداری روزگاری می‌گذرانند و برای داشتن کار، نان و آزادی به دست نیروهای نظامی- امنیتی، این حامیان قدرت حاکم و پاسداران منافع سرمایه‌داران در خیابان به قتل می‌رسند؛ روزانه چندین جوان مبارز را می‌کشند و راهی قبرستان می‌کنند. در تهیب پرخروش جنبش «زن، زندگی، آزادی» حاکمیت اسلامی تیغش را تیزتر و سرکوب را تشدید کرده است. در بیدادگاه‌های نظام، حکم اعدام کودکان و جوانان دختر و پسرمان را صادر می‌کنند، جوانانی که همه از طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان جامعه هستند. نگاهی به شغل چهار جوانی که تا این لحظه به دست حکومت اسلامی اعدام شده‌اند این حقیقت را روشن می‌کند که اعدام‌ها برای ایجاد ترس و وحشت میان هم نسل جوان و هم طبقه‌ی

کارگری است که از تنگنای معیشت و این نظام مستبد غارتگر به ستوه آمده: «**محسن شکاری**» کارگر کافه، «**مجیدرضا رهنورد**» کارگر میوه‌فروشی، «**محمد مهدی گرمی**» پسرکارگر دستفروش و خود کارگر رنگارنگ‌ساختمان وقهرمان کاراته و صاحب مدال جهانی و «**سید محمد حسینی**» کارگر مرغ‌داری هستند! این اعدام‌ها نشان می‌دهد که نیروی اصلی مبارزات خیابانی را چه کسانی بردوش می‌کشند، عبارتی روی کارگران دست‌گذاشتندتا مردم را از شورش نان بترسانند!

علی‌رغم همه‌ی سختی‌ها و مشکلات معیشتی، مردم جامعه ما مصمم‌اند مبارزه را تا سرنگونی کامل این رژیم منفور درخیابان‌ها ادامه دهند. رژیم سرمایه‌داران نیز در گنداب بحران عمیق اقتصادی دست‌وپا می‌زنند. هیچ‌گونه ثباتی درزمینه‌ی اقتصادی و یا روزنه‌ی امیدی درزمینه‌ی امنیتی برای دلگرمی نیروهای مزدورش وجود ندارد. شکنندگی حاکمیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بر همه عیان است. با هرتلنگری بر پیکر پوسیده و بی‌جان رژیم، می‌تواند نقش زمین شده و درازکش گردد و فاتح‌اش سرداده شود!

در فرایند این آمارها، مشاهده می‌شود؛ جنگ بزرگ این دوره دعوی جنبش نان و جان برای وصول و دست‌یابی به آزادی بیش از هر موقع در جامعه‌ی به هم پیوند خورده است. یک نکته روشن است؛ همه‌ی نیروی چند ده میلیونی مزد و حقوق بگیران اعم از بازنشستگان و معلمان و کارگران ما به دستمزدهای زیرخط فقر اعتراض مداوم دارند، به ویژه امروز با چندین برابر شدن قیمت‌ها، حتی تهیه‌ی نان خالی هم برای همگان مشکل و طاقت فرسا شده، می‌پرسند: چگونه باید چرخه‌ی زندگی را گرداند؟!

در این میان عموم مردم، به غیر از یک درصدی‌ها، به عبارتی پایینی‌های جامعه، ناگزیرند برای شکستن همه‌ی شاخص‌های فلاکت در این شرایط و انفسای اقتصادی، با به خیابان آمدن و سنخیت بخشیدن به شعار «**تنها کف خیابون، به دست میاد حق‌مون**» به یک جنبش عمومی جامعه فرا بروید. باید برای از بین بردن سیستم دلالی کالا و فساد بیش از اندازه، تعدیل اصولی نرخ ارز، مقابله با تحریم اقتصادی و تمامی سیاست‌های نادرست و نسنجیده‌ی حاکمیت برای از بین بردن فساد ساختاری، علیه مافیاهای مختلف در توزیع کالاها، اعتراض کرده و با عبور از وضعیت موجود، خود چرخه‌ی هدایت‌گری را به عهده گیریم. این مهم فراهم نمی‌یابد مگر با سازماندهی و سازمانیابی و متشکل شدن نیروهای مطالبه‌گر در عرصه‌ی رویارویی‌ها و مبارزه‌ی روزمره‌ی آنان!

برای استمرار مبارزه، خیابان‌ها باید در اختیار و اشغال مردم مطالبه‌گر باشد. مکان مبارزه و انتشار آگاهی، خیابان است و این را هم نیروهای متشکل و صنفی و هم توده‌های جان به لب رسیده آزموده و آموخته‌اند. حاکمیت هم با انواع شگردهای بی‌شرمانه سعی درکنترل حضور و اعتراضات خیابانی مردم دارد. ازبازنگری در قوانین استفاده از سلاح گرفته تا بازداشت‌ها گسترده به بهانه‌ی تجمعات غیر قانونی از معترضین درخیابان‌ها.

آینده را هم همین وزن‌کنشی مردم و حکومت سرکوبگر در کف خیابان‌ها مشخص خواهد کرد. وقتی خیابان در اختیار و اشغال مردم مطالبه‌گر باشد، جایی برای حکومت باقی نخواهد ماند. در این نبرد نابرابر:
یا ما سرخضم را بگوئیم به سنگ
یا او سر ما به دار سازد آونگ!

پیوست‌ها:

۱ و ۲- ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

۳- ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۸ آذر ۱۴۰۱

۴- اعتصاب کسبه در بیش از ۷۰ شهر کشور: کانال تلگرامی «وحدان‌الاین» شامگاه دوشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۱ گزارش داد که از اعتصاب کسبه در بیش از ۷۰ شهر ایران تصاویر ویدویی دریافت کرده است. اسامی این شهرها از این قرار است: سنندج، شیراز، لاله‌زار تهران، کرمانشاه، اصفهان، بابل، رشت، بوشهر، بازار بزرگ تبریز، کرج، کرمان، اراک، بروجرد، بجنورد، دیواندره، بازار چراغ برق تهران، شهرکرد، قزوین، دهگلان، مرودشت، پاوه، قم، اصفهان، جلفا، بهبهان، خیابان ستارخان تهران، مجتمع تجاری بوستان پونک تهران، میدان نقش جهان اصفهان، جامی اصفهان، شیراز، شهرکرد، شهر کوزران در استان کرمانشاه، مریوان، ایلام، سقز، شیراز، فردیس کرج، دزفول، چابهار، خیابان سعدی تهران، بازار فرش تبریز، طلافروشان تجریش تهران، گوهردشت کرج، باغ سپهسالار تهران، خیابان ولی‌عصر تهران، خیابان نادر شیراز، بازار طلا در بوشهر، خیابان عقیق‌آباد شیراز، بجنورد، اراک، کامیون‌داران همدان، خیابان سعدی رشت، زرقان، کازرون، اوز در استان فارس، شاهین‌شهر، میرداماد تهران، کارخانه سیمان سپاهان اصفهان، بازار بزرگ اصفهان، زرین‌شهر، بازار لوازم یدکی تهران، بندرعباس، بازار کهن‌دژ اصفهان، کرمان، کامیون‌داران سنندج، بوشهر، کسبه‌خانه اصفهان، رانندگان ماهدشت، کرمان، قزوین، مرودشت، ارومیه، نازی‌آباد تهران، چهارباغ اصفهان، سمنان، ایذه، شهرضا، بابل، فلاورجان، همدان.

لینک :

سر تیترهای روز شمار کارگری هفته اول و دوم آذر ۱۴۰۱

<https://karegari.com/maghalat/2023/01/11/Roozshomar%201+15%20azar%201401.pdf>